

نقد کتاب دموکراسی: مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی

هادی امیری*
وحید مقدم**

چکیده

مکتب انتخاب عمومی در اقتصاد را می‌توان کاربرد تحلیل اقتصادی در حوزه سیاست دانست که اخیراً در حال باز کردن جای خود در محافل دانشگاهی کشور است. مهم‌ترین یافته این مکتب را باید اثبات وجود شکست دولت در تنظیم بازار (عدم وجود دست مرئی خیرخواه در دولت) دانست. کتاب [فهم] دموکراسی (مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی) نوشته پاتریک گانینگ (Gunning, 2003) و ترجمه حسین ربیعی در سال ۱۳۹۳ توسط انتشارات دنیای اقتصاد راهی بازار شده است. این کتاب ساده و روان و تا حدودی جامع، هم به مباحث بنیادین انتخاب عمومی (مثل اقتصاد قانون اساسی) و هم به مباحث کاربردی انتخاب عمومی (مانند خصوصی‌سازی) می‌پردازد. نتیجه اصلی کتاب این است که در مکانیزم‌های سیاسی مبتنی بر دموکراسی، نه تنها دولت (بدون تمهید تنظیمات نهادی) در رفع مشکلات بازار شکست می‌خورد که این شکست‌ها بعضاً سخت‌تر و پرهزینه‌تر از شکست‌های بازار هستند. این کتاب اگر چه در زبان انگلیسی چندان معروف نیست، اما در بین کتب فارسی محدود در حوزه انتخاب عمومی، جایگاه قابل قبولی دارد که شاید همین امر موجب دو ترجمه متفاوت از کتاب شده است. هر چند ترجمه اخیر دچار مشکلات زیادی است که نیاز به بازبینی ترجمه و ویراستاری مجدد آن را برای چاپ‌های بعد، الزامی می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: مرور کتاب، انتخاب عمومی، دموکراسی، جان پاتریک گانینگ.

* استادیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان، (نویسنده مسئول) h.amiri@ase.ui.ac.ir
**دانش‌آموخته اقتصاد و استادیار دانشکده الهیات و معارف اهل بیت دانشگاه اصفهان
v.moghadam@ahl.ui.ac.ir

۱. مقدمه

انتخاب عمومی (یا انتخاب دیوانی) به دنبال کاربرد نظریه‌ها و روش‌های دانش اقتصادی برای تحلیل رفتار سیاسی است، در حالی که در سابق این حوزه انحصاراً در اختیار سیاست دانان و جامعه‌شناسان سیاسی قرار داشت. این حوزه از دانش اقتصاد حداقل حدود نیم قرن پیش با مطالعات دونکان بلاک، جیمز بوکانان، گوردون تالوک، منکور اولسون تأسیس شده و مطالعه فرآیندهای تصمیم‌گیری دموکراتیک را کاملاً متحول نمود.

این حوزه از دانش اقتصاد پس از آن توسعه زیادی داشت و مطالعات نظری و تجربی زیادی در مورد مکانیزم‌ها و موضوعات سیاسی از جمله انتخابات، قانون اساسی، قانون گذاران، کارگزاران، رانت‌جویی، گروه‌های همسود، بوروکراسی، دیکتاتوری، اندازه و قبضه دولت و چرخه‌های تجاری سیاسی صورت گرفته است.

برگزاری انتخابات متعدد در ایران و توجه بسیار رأی‌دهندگان به رفتار تبلیغاتی کاندیداها، گروه‌های طرفدار آنها؛ وعده‌های انتخاباتی و رفتار آنها پس از انتخاب شدن یا نشدن، و با ناکارآمدی به نظر رسیدن نظریه‌های رایج دانش سیاست (که سیاستمداران را انسان‌هایی خیرخواه و دنبال‌رو منافع عمومی تصویر می‌کند)، موجب اقبال به این حوزه در محافل دانشگاهی ایران شده است. با وجود توجه به این مباحث در دوره‌های دکتری اقتصاد از سه دهه پیش به این طرف، از حدود یک دهه قبل کتبی در این زمینه به زبان فارسی ترجمه شده‌اند و البته به دلیل نوپا بودن نسبی و توسعه نظری سریع آن، تنها چند کتاب با موضوع انتخاب عمومی به زبان فارسی ترجمه و تألیف شده است. به علاوه در اغلب کتاب‌های اقتصاد بخش عمومی که با رویکرد نوین نوشته شده‌اند نیز چند فصل محدود به مباحث این حوزه اختصاص داده شده است.

کتاب ترجمه شده به ترتیب تاریخ ترجمه و تألیف عبارت‌اند از: جمسی و همکاران (۱۳۸۴)؛ گانینگ (۱۳۸۴) (ترجمه رنانی و خضری)؛ سرزعی (۱۳۸۹)؛ باتلر (۱۳۹۱)، گانینگ (۱۳۹۳) (ترجمه حسین ربیعی)؛ و مولر (۱۳۹۵). البته کتاب‌هایی نیز وجود دارند که تنها در بخش‌هایی از آن به انتخاب عمومی پرداخته‌اند و مد نظر مقاله حاضر نیست؛ مثلاً می‌توان به تمدن (۱۳۸۹) اشاره کرد که حاوی دو مقاله در این زمینه است. این کتاب تنها یک بار چاپ شده‌اند. تنها استثناء را باید کتاب پاتریک گانینگ دانست که دو بار ترجمه و منتشر شده است. کتاب جمسی و همکاران (۱۳۸۴) و سرزعی (۱۳۸۹) ترجمه یک مجموعه مقاله هستند که نمی‌توانند همه مباحث را پوشش

دهند، باتلر (۱۳۹۱) هم یک کتاب مختصر است و مولر (۱۳۹۵) بیش از آن تخصصی است که بتواند مورد اقبال عموم و حتی دانش‌آموختگان مبتدی اقتصاد قرار گیرد. بر خلاف آنها کتاب انتخاب عمومی گانینگ مباحث بسیار زیادی را به زبان ساده پوشش می‌دهد و لذا هم می‌تواند مورد استفاده علاقه‌مندان اقتصاد سیاسی قرار گیرد و هم به عنوان کتاب درسی در مقطع کارشناسی و تا حدودی کارشناسی ارشد تدریس شود. به دلیل اهمیت این کتاب در زبان فارسی، مقاله حاضر تلاش می‌کند ابعاد مختلف این اثر را مورد واکاوی قرار دهد. برای این منظور ابتدا نویسنده، کتاب و سپس ترجمه معرفی شده و کتاب از دو جنبه شکلی و محتوایی مورد نقد قرار گرفته است. سعی شده با ارجاع به متن ترجمه کتاب، ضمن معرفی تفصیلی فصول مختلف، برخی از نکات بنیادین اندیشه‌های نویسنده و کتاب روشن شوند.

۲. معرفی نویسنده و محتوای کتاب

۲-۱. معرفی نویسنده

پاتریک گانینگ نویسنده کتاب دانش آموخته اقتصاد از آمریکا است که در سال ۱۹۷۴ از رساله دکتری خود با عنوان "یک رویکرد اقتصادی به تعاملات اجتماعی و نهادها" در مؤسسه پلی تکنیک ویرجینیا دفاع نمود و پس از آن در دانشگاه‌ها و کالج‌های متعددی در آمریکا و جهان به تدریس اقتصاد در کسوت استادیاری، دانشیاری و استاد تمامی پرداخته است. از جمله این دانشگاه‌ها می‌توان به دانشگاه ملی چونگ‌هسینگ تایپه (۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸)، دانشگاه سلطان قابوس عمان (۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰)، دانشگاه آمریکایی شارجه در امارات متحده عربی (۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲)، و دانشگاه فنگ‌چای در تایوان (۲۰۰۲ به بعد) اشاره کرد. حوزه‌های تدریس و پژوهش وی عبارت‌اند از: نظریه اقتصادی، اقتصاد سیاسی (انتخاب عمومی)، تاریخ تفکر اقتصادی، اقتصاد اتریشی و اقتصاد جرم و حقوق. وی دارای مقالات متعددی است اما مهم‌ترین اثر وی را باید کتاب حاضر دانست که در سال ۲۰۰۳ در تایوان منتشر شده و محصول تدریس نظریه انتخاب عمومی در این کشور است.

نویسنده فرد چندان شناخته شده‌ای در حوزه مطالعات نظریه انتخاب عمومی در سطح جهان نیست، و این اثر مرهون فرصتی است که تدریس در یک کشور آسیایی در اختیار وی قرار داده که به کمک پشتکار و علاقه تبدیل به یک کتاب درسی شده است. این کتاب در سطح جهان چندان شناخته شده نیست، چرا که نه در قسمت کتب دانشگاهی

سایت گوگل درج شده و نه جزء منابع معرفی شده در طرح درسی اساتید دانشگاه‌های معتبر جهان است. نگاهی به متن ساده کتاب به زبان انگلیسی هم نشان دهنده آن است که کتاب برای افراد غیرانگلیسی زبان نوشته شده است.

۲-۲. معرفی کتاب

کتاب "[فهم] دموکراسی: مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی" یک کتاب ساده و روان و تقریباً جامع در خصوص موضوعاتی است که در انتخاب عمومی مورد بحث قرار می‌گیرد. هر چند در زبان لاتین تعدادی از این کتاب‌ها یافت می‌شوند، اما به زبان فارسی چنین متن روان و جامعی در دسترس نیست. متن انگلیسی ساده، در کنار جذابیت و به روز بودن موضوعات و ملموس بودن مباحث، جذابیت زیادی برای برگردان کتاب به فارسی ایجاد می‌کند. شاید از همین روست که دو مترجم به صورت جداگانه اقدام به ترجمه و انتشار فارسی این اثر کرده‌اند. همانطور که مؤلف در دیباچه اشاره می‌کند، هدف کتاب "معرفی انتخاب عمومی به زبان ساده به غیر انگلیسی زبان‌هاست".

نویسنده در مباحث تحققی از ریاضیات پیچیده استفاده نکرده و هدف او طرح اولیه مباحث بوده، لذا دامنه وسیعتری از مخاطبان را به خود جذب می‌کند، از جمله دانش‌آموزان اقتصاد با آگاهی اندک از انتخاب عمومی، و نیز علاقه‌مندان سایر رشته‌ها مثل علوم سیاسی و جامعه‌شناسی. هر چند فهم بخش‌هایی از کتاب نیاز به آشنایی اولیه با مالیه عمومی دارد. اقتصاد خوانده‌هایی که با نظامات سیاسی آشنایی ندارند، برای فهم بهتر برخی از مباحث نیازمند مراجعه به منابع تکمیلی دیگری هستند.

نویسنده معتقد است: "الگوسازی‌ها [ریاضی] و اصطلاحات تخصصی، نه فقط غیر ضروری‌اند، بلکه می‌توانند منحرف کننده هم باشند" (ص ۱۴)^۲. در ادامه این انحراف را برای محققانی گوشزد می‌کند که آشنایی کافی با معنی واقعی دموکراسی و تاریخچه آن ندارند. "این امر به خصوص برای دانشجویانی صدق می‌کند که انگلیسی، زبان مادری آنها نیست و تجربه زیادی در دموکراسی ندارند. این گونه دانشجویان به یادگیری الگوها و اصطلاحات علاقه دارند، اما به آموزش [فهم] اندیشه‌های دموکراسی گرایش ندارند"^۳. (ص ۱۴) این ادعا که از علاقه مندی نویسنده و نزدیکی افکار وی به مکتب اتریشی ناشی می‌شود (چه اینکه در فصول مختلف، پای ثابت ارجاعات نویسنده هستند) یک نقص بزرگ آموزش اقتصاد به صورت عام و انتخاب عمومی به صورت

خاص را گوشزد می‌کند و آن، غفلت از آموزش مفاهیم و مباحث بنیادین علم اقتصاد و پرداختن به الگوسازی‌های ریاضی و اصطلاحات تخصصی است.

صفحه آرایی و طرح روی جلد کتاب بسیار مطلوب و چشم نواز است، هر چند بیشتر یک کتاب غیر درسی را تداعی می‌کند.

هدف مؤلف در کلیه فصول القای این ایده بوده که "آنچه ما آن را شکست دولت می‌نامیم آن قدر زیاد است که می‌تواند در مورد توانایی‌های دولت مردم‌سالار برای تصحیح موارد عملی شکست بازار در سطح ملی یک دموکراسی بزرگ تردیدهای جدی ایجاد کند" (ص ۱۵)

۳. خلاصه‌ای فصول کتاب

کتاب در ۱۸ فصل تنظیم شده است. فصل اول، که به کلیات کتاب می‌پردازد، در صدد است به سؤالات اساسی و اشکالات عمده‌ای که به انتخاب عمومی وارد می‌شود، پاسخ می‌دهد. در این فصل انتخاب عمومی به عنوان مطالعه دموکراسی از دیدگاه اقتصادی تعریف می‌شود و ضمن ارایه تاریخچه‌ای از دموکراسی، آن را بدیل استبداد و تنها راه مهار قدرت کارگزاران و سیاست‌مداران برمی‌شمرد. جالب توجه اینکه در همین فصل اشکالات هشت گانه‌ای را به دموکراسی وارد می‌کند.

فصل دوم و در ادامه مباحث فصل اول به مبانی انتخاب عمومی می‌پردازد و با بحث جنجال‌برانگیز پی‌جویی نفع شخصی در حوزه سیاست شروع می‌شود. نویسنده با این استدلال که هدف علم پرداختن به هست‌ها است و نه بایدها (طبق سنت تقسیم گزاره‌های اقتصادی به تحقیق از هنجاری)، فرض پی‌جویی نفع شخصی در حوزه سیاسی را سرآغاز علمی شدن علوم سیاسی و جداسدن آنها از فلسفه اخلاق می‌داند. این فصل با معرفی مفهوم شکست بازار ادامه می‌یابد. هر چند که بحث‌های تفصیلی‌تر شکست بازار در فصل سوم آورده شده است.

فصل سوم به شکل دقیق‌تری به شکست بازار و به‌طور ضمنی ناکارآمدی‌های دولت در رفع آنها اشاره می‌کند. در این فصل به جایگاه پی‌جویی نفع شخصی و مالکیت خصوصی در نظام‌سازی اقتصادی از دیدگاه آدم اسمیت و فرانک نایت پرداخته و به دفعات نقدهای مالکیت خصوصی را پاسخ می‌دهد. فصل سوم با ارایه مفهوم کالاهای عمومی و انحصار و اثرات خارجی ادامه می‌یابد. هر چند عدم استفاده از شکل و نمودار، فهم مطالب این بخش‌ها را برای مخاطبان اقتصاد نخواننده با دشواری همراه

می‌کند، اما اشاره نویسنده به راه‌های بازاری مواجهه با این شکست‌ها و ناکارآمدی‌های دولت در رفع این شکست‌ها، بسیار مناسب و نسبت به کتاب‌های بخش عمومی تا حدودی نوآورانه است.

فصول چهارم و پنجم به مبانی شاخه‌ای دیگر از انتخاب عمومی، موسوم به اقتصاد قانون اساسی، می‌پردازد. جای خالی این مباحث در متون فارسی بیش از فصول دیگر احساس می‌شود. در این فصول قانون اساسی را به منزله توافقی بنیادین میان اعضای اجتماع برای استخدام کارگزاران و سیاست‌مداران و نظارت بر عملکرد آنها تعریف می‌کند. در ادامه لزوم تصریح قواعد انتخاب و نظارت و حتی عزل کارگزاران و سیاست‌مداران را در قانون اساسی آورده است. فصل چهارم با اشاره به هزینه‌های خارجی تصمیم‌سازی جمعی (تدارک یک کالای عمومی به برخی نفع بیشتری می‌رساند ولی برای همه هزینه دارد) و هزینه‌های سوء استفاده از قدرت (استفاده از قدرت بر خلاف خواست رأی‌دهندگان) پایان می‌یابد.

فصل پنجم به چگونگی تدوین قانون اساسی به منظور کاهش هزینه‌های خارجی تصمیم‌سازی جمعی سوء استفاده از قدرت می‌پردازد و راهکارهایی چون تفکیک قوا، آزادی گردش اطلاعات و تنظیم قواعدی برای مقابله با خرید و فروش آراء را ابزارهایی برای کاهش این هزینه‌ها معرفی می‌کند. جالب توجه اینکه خرید و فروش آراء را در سطح انتخاب سیاستمداران نامناسب می‌داند اما در مجلس نمایندگان غیرمنطقی قلمداد نمی‌کند. این فصل نیز با یک هشدار در مورد تفسیر به رأی سیاستمداران و کارگزاران از قانون اساسی و تاثیر آن بر بزرگ شدن بیش از پیش دولت و اینکه "قانون اساسی الزاماً دموکراسی پایا را تضمین نمی‌کند، خاتمه می‌یابد" (ص ۱۴۵).

فصول ششم تا دهم کتاب از مباحث آشنای انتخاب عمومی هستند که در اکثر کتب فارسی اقتصاد بخش عمومی نوین نیز به نوعی آمده‌اند مثل: ارزیابی قواعد مختلف رأی‌گیری، تناقض رأی‌دهنده عقلایی، نظریه رأی‌دهنده میانی. در این فصول از نمودارهای ریاضی نیز بهره گرفته شده است.

فصل ششم روش‌های انتخاب نمایندگان مجلس به حوزه تک نماینده‌ای، حوزه‌های چند نماینده‌ای و حوزه‌های ملی دسته‌بندی شده و نتیجه می‌شود که "با توجه به هزینه و فایده یادشده نمی‌توان با اطمینان گفت برای شرایط خاصی کدام یک از این سه نظام بهتر است" (ص ۱۴۹). در ادامه فصل به این موضوع مهم می‌پردازد که کمیسیون انتخابات و شرایط نامزدی چگونه و با چه ملاحظاتی تعیین شوند. جالب اینکه به

آسانی نتیجه می‌گیرد که "دو دلیل اقتصادی برای محدود کردن تعداد نامزدها وجود دارد. اول اینکه نامزد بیشتر هزینه اجرای انتخابات را بالا می‌برد و دلیل مهم‌تر اینکه تعداد نامزد بیشتر موجب افزایش هزینه یافتن بهترین نماینده می‌شود." ^۴ در ادامه محاسن هزینه‌های ورودیه و تضمین‌های نقدی از سوی کاندیداها را این گونه تبیین می‌کند که "نامزدهای عادی که به وسیله افراد ثروتمند حمایت نمی‌شوند را از گردونه خارج می‌کند" (ص ۱۵۰). این فصل با ورود به نقاط قوت و ضعف نظام‌های هر فرد یک رأی، هر فرد چند رأی و رأی‌دهی لیستی پایان می‌یابد. در این فصل به انگیزه نمایندگان برای تغییر تقسیمات کشوری هم اشاره می‌شود که در نوع خود نوآورانه است و هر چند در انتخابات کنگره و سنای آمریکا رایج‌تر است اما می‌تواند در ایران هم مصداق داشته باشد.

فصل هفتم به فرضیه رأی‌دهنده عقلایی و مهم‌ترین چالش انتخاب عمومی یعنی دلیل شرکت مردم در انتخابات می‌پردازد که با ورود ناگزیر عوامل جامعه‌شناختی برای توضیح آن، به نوعی بر ناتوانی انتخاب عمومی در حل این چالش اعتراف می‌کند. نویسنده نتیجه می‌گیرد: "با نوشتن سطور فوق در مورد ناکارآمدی فرایند انتخابات، منظور ما این نیست که فرآیندی بهتر از آن در ذهن ما وجود دارد" (ص ۱۶۹). فصل با نظریه رأی‌دهنده میانه ادامه می‌یابد و با بهره‌گیری از شکل و نمودار به روشنی ابعاد مختلف این نظریه را تبیین می‌کند. در این بخش نظریه رأی‌دهنده میانه را به بیش از دو نامزد تعمیم می‌دهد و نشان می‌دهد که "در انتخابات چند نامزدی، تصمیم‌گیری به مهارت زیادی نیاز دارد و بروز اشتباه نیز محتمل‌تر است" (ص ۱۷۹).

فصل هشتم با وارد کردن فروض تک‌قله‌ای بودن ترجیحات و تنوع در موضوعات مورد رأی‌گیری، به مواردی می‌پردازد که نظریه رأی‌دهنده میانه به تناقض منجر می‌شود. نشان داده می‌شود که وقتی کاندیداها مجبورند نظر خود در مورد موضوعات مختلف را به صورت یک برنامه ارایه کنند، ممکن است نظریه رأی‌دهنده میانه کاربردی نداشته باشد. در ادامه با اشاره به اهمیت تبلیغات انتخاباتی نشان می‌دهد که تأمین هزینه‌های تبلیغات نیز انحراف از نظریه رأی‌دهنده میانه را محتمل می‌سازد. در نهایت به بحث آشنای تناقض در رأی اکثریت پرداخته و رأی دادن راهبردی و تغییر مواضع سیاسی کاندیداها و احزاب را بر همین اساس تحلیل می‌کند. نویسنده در این فصل هم نتیجه می‌گیرد که "تمام این عوامل در مورد توانایی دموکراسی وکالتی برای کسب نتایجی بهتر از اقتصاد بازار تردید ایجاد می‌کند" (ص ۱۹۹).

فصل نهم به توضیح ناکارآمدی قاعده اکثریت نسبی و مطلق در تعیین مقدار بهینه عرضه کالای عمومی با دو فرض مالیات یکسان بر همه افراد و مالیات به نسبت درآمد می‌پردازد. این فصل نتیجه می‌گیرد "وقتی سعی می‌کنیم الگوی نظری خود را با وضعیت واقعی افراد از جنبه رجحان‌ها، توزیع درآمد و نظام واقعی مالیات تطبیق دهیم، باید اذعان کنیم دلیل خاصی برای این باور وجود ندارد که مقدار یک کالای عمومی منفرد که در دموکراسی بی‌واسطه از طریق قاعده اکثریت تعیین شده، به مقدار جنبه نظری کارآمد نزدیک باشد. همچنین دلیلی برای قبول این باور نداریم که اکثریت رأی‌دهندگان از مقدار هر کالای عمومی منفرد که عرضه می‌شود، احساس رضایت خواهند کرد" (ص ۲۲۲). فهم نمودارها و شکل‌های استفاده شده در این فصل که در اغلب کتاب‌های فارسی موجود نیز وجود دارند، نیازمند یک پیش‌زمینه اقتصاد خرد است که لازم است در کتاب حاضر به یک منبع مناسب ارجاع داده شود. بخش پایانی این فصل که سؤال نحوه تصمیم‌گیری در خصوص مقدار عرضه کالای عمومی در دموکراسی واقعی را مطرح کرده، به جا و نوآورانه است.

فصل دهم به موضوع خرید و فروش آراء در دو سطح نمایندگان و رأی‌دهندگان معمولی می‌پردازد. همانطور که در فصل قبلی نشان داده شده، رأی‌دهندگان از مقدار کالای عمومی تحت قاعده اکثریت ناراضی هستند. تجارت رأی یک راهکار اقتصادی است. در این فصل این سؤال مطرح می‌شود که آیا تجارت رأی می‌تواند این نارضایتی را کاهش دهد؟ برای پاسخ به این پرسش از هزینه‌های مبادلاتی موجود بر سر راه تجارت استفاده می‌کند. نشان داده می‌شود در زمان پایین بودن هزینه‌های مبادلاتی، تجارت رأی می‌تواند کارایی عرضه کالای عمومی را به همراه داشته باشد. اما در دنیای واقعی با تعداد زیاد افراد و چولگی زیاد توزیع منافع کالای عمومی، خرید و فروش آراء موجب کاهش کارایی می‌شود. البته همانند فصل پنجم، خرید و فروش آراء نمایندگان را نان به هم قرض دادن تلقی می‌کند که با هزینه معاملاتی کمتری مواجه هستند و لذا "نان به هم قرض دادن نمایندگان فرصت چانه‌زنی ایجاد می‌کند و به آنها این امکان را می‌دهد که به صورت کارآمدتری شدت ترجیحات حوزه انتخابی خود را منعکس نمایند" (ص ۲۳۸). هر چند در صورت کنترل نکردن امکان سوء استفاده از موقعیت نمایندگی، این نان به هم قرض دادن می‌تواند گستره فساد را بیشتر کند. فصل با تأکید بر اینکه وجود بازار و حاکمیت آن، پیش‌فرض درست کار کردن بازار سیاست است، ادعا می‌کند در بیشتر دموکراسی‌های ایجاد شده بعد از جنگ جهانی دوم که فاقد

اقتصاد بازار هستند، "بدون وجود آزادی در مبادلات اقتصادی، احساس آزادی در مبادلات سیاسی معنی ندارد. بنابراین نباید انتظار داشت آنان در قانون اساسی خود مفاد روشنی در مورد تجارت رأی بگنجانند" (ص ۲۴۰). نقد دموکراسی در کشورهای غرب آسیا و شرق اروپا از منظر تجارت رأی در بخش پایانی فصل را می‌توان یک نوآوری محسوب نمود. نویسنده با مبتنی دانستن دموکراسی در این کشورها بر نظام سرپرستی و سنت تعهد به یک فرد یا حزب خاص در رأی‌گیری، حداقل در کوتاه‌مدت، آن را ناتوان از عرضه کارآمد کالای عمومی می‌داند. "سرپرستان پیشین که کالای عمومی را به صورت ناکارآمد عرضه می‌نمایند و در اقتصاد بازار دخالت می‌کنند، می‌توانند برای مدت طولانی بر سر قدرت بمانند" (ص ۲۴۱). راه میان‌بر تحقق دموکراسی واقعی در این کشورها را افشاگری در مورد مفاسد سرپرستان و در نتیجه از بین بردن احساس تعهد اخلاقی رأی‌دهندگان به آنها می‌داند: "هنگامی که آنها از ناکارآمدی یا فساد آگاه می‌شوند، نزد بسیاری از آنان کل فلسفه نظام سرپرستی زیر سؤال می‌رود" (ص ۲۴۱).

فصل یازدهم که به بررسی رفتار نمایندگان مجلس اختصاص دارد، با استفاده از بحث توضیحی و بدون استفاده از شکل و نمودار نشان می‌دهد که وارد کردن فرض منفعت‌طلبی به رفتار آنها، موجب تأثیر گرفتن تصمیمات آنها از گروه‌های همسود و گروه‌های فشار به انحای مختلف می‌شود. از همین روست که نمایندگان حاضر می‌شوند "با تصویب لوایحی که کارایی را کاهش می‌دهد، منفعت کسب کنند" (ص ۲۴۷). "با قبول رأی به قانونی که افراد یا گروه‌های خاص را منتفع می‌کند، نماینده می‌تواند مشارکت قابل توجهی برای مبارزه انتخاباتی خود جذب و در انتخابات به پیروزی برسد" (ص ۲۴۸). در این فصل مواردی از این تأثیرگذاری‌ها در تدارک کالای عمومی (اعم از محلی، ملی و باشگاهی)، تعیین بار مالیاتی و بازتوزیع ثروت، تعیین نحوه تدارک کالای عمومی، روش مواجهه با انحصار طبیعی و تعیین سیاست‌های کلان اقتصادی در حد طرح بحث اولیه و بدون مدل‌سازی تحلیل شده است. اما نتیجه جالب بخش آخر این فصل این است که "در کتاب‌های درسی اقتصاد کلان اولیه، متخصصان اقتصاد کلان الگوهای ناپخته‌ای می‌ساختند تا نشان دهند که چگونه سیاست مالی و پولی بر بیکاری و تورم اثر می‌گذارد" (ص ۲۷۵) و نتیجه می‌گیرد که این سیاست‌ها حتی اگر اثری هم بر اقتصاد نداشته باشند، می‌توانند برای رئیس‌جمهور، مجلس و گروه‌های ذی‌نفع حامی آنها منفعی در بر داشته باشد!

فصل دوازدهم در ادامه فصل قبل به نحوه تشکیل و کارکرد احزاب و گروه‌های فشار در دموکراسی آمریکا پرداخته و نقش مثبت آنها را در انتقال خواست رأی‌دهندگان به نمایندگان و کارگزاران توضیح می‌دهد. نویسنده حزب سیاسی را یک بنگاه غیرانتفاعی تعریف می‌کند که: (۱) به نامزدهای نمایندگی برای رأی آوردن از طریق قرار دادن نام وی در فهرست حزبی و تأمین هزینه‌های تبلیغاتی کمک می‌کند؛ (۲) به نمایندگان برای تصویب لوایح کمک می‌کند (تسهیل نان به هم قرض دادن)؛ و (۳) به اعضای جامعه برای تأثیر بر قانون (تضمین خرید رأی بیشتر) کمک می‌کند. سپس از الگوی کنش جمعی اولسن برای توضیح چگونگی شکل‌گیری گروه‌های فشار استفاده کرده و در پایان فصل به ارتباط گروه‌های فشار و احزاب سیاسی پرداخته و نتیجه می‌گیرد: "اگر گروه‌های فشار غیرقانونی اعلام شوند، افرادی که در پی تأثیرگذاری بر نمایندگان هستند به سادگی به سراغ احزاب سیاسی می‌روند. آنها ممکن است در درون احزاب جناح‌های مستقلی ایجاد کنند یا برای خود حزب جدیدی تشکیل دهند" (ص ۳۰۵).

فصول سیزدهم تا پانزدهم به دیوان‌سالاری دولتی مربوط است. فصل سیزدهم با نقد دیوان‌سالاری وبری از منظر انتخاب عمومی شروع شده و آن را آرمانی و غیرقابل حصول می‌داند. استدلال می‌شود که قانون خدمات کشوری مبتنی بر دیوان‌سالاری وبری، نه تنها دیوان‌سالاری مطلوب را حاصل نمی‌کند بلکه باعث بزرگ شدن بیش از پیش دیوان‌سالاری و استخدام غیرمتخصصان به جای متخصصان می‌شود: "هیچ آزمون خدمات کشوری نمی‌تواند ویژگی اخلاقی را اندازه‌گیری کند. یعنی ثابت کند که یک دیوان‌سالار بالقوه برای منافع اجتماع تلاش خواهد کرد" (ص ۳۱۷). ادامه فصل مرور تاریخیچه بخش اجرایی آمریکا از سال ۱۷۸۸ است و ادعا می‌کند که دیوان‌سالاری کنونی آمریکا جایگزین نظام طبقاتی تقسیم غنایم سابق بر خود شده است. در عین حال، تحلیل نظام دیوانی کنونی موضوعی پیچیده است که برای تحلیل آن در فصل بعد (فصل چهاردهم) از یک الگوی ساده، یعنی الگوی پیشنهادی نيسکانن برای تحلیل نظام دیوانی در یک دموکراسی ریاستی بهره می‌برد. "فرض الگو این است که دیوان‌های دولتی، عرضه‌کننده و سیاست‌مداران منتخب، تقاضاکننده بعضی از کالاها و خدمات هستند. هدف رئیس دیوان، به عنوان مدیر عرضه، بیشینه کردن میزان بودجه دیوان است" (ص ۲۳۵). با ترکیب این انگیزه‌ها با انگیزه نمایندگان که در فصل یازدهم آمد، "بودجه نهایی احتمالاً از مقدار بهینه مورد نظر رأی‌دهنده بسیار بیشتر است" (ص ۲۳۵). فصل با اشاره اجمالی به بحث تحلیل نظام دیوانی در دموکراسی شورایی پایان می‌یابد.

فصل پانزدهم به دو روش بهبود امور دیوانی اختصاص دارد: افزایش اطلاع مردم از هزینه‌های تدارک کالاهای عمومی و دریافت هزینه و عوارض از استفاده‌کنندگان برخی از کالاهای عمومی به ویژه کالاهای باشگاهی. البته در مقدمه هم اشاره می‌کند که شاید راه حل بهتر و عاقلانه‌تر این باشد که "دولت یکسره این کسب و کار را کنار بگذارد یا از ابزارهای دیگری به جز عرضه مستقیم کالا استفاده کند" (ص ۳۷۳). همچنین اختصاراً محدودیت‌هایی که ممکن است در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات دولتی به وجود بیاید، مورد بحث قرار می‌گیرند.

فصل شانزدهم به مبحث رانت‌جویی می‌پردازد که طبق تعریف عبارت است از فعالیت‌های قانونی غیرانتخاباتی "که به قصد تغییر قوانین یا اقدامات اجرایی انجام می‌شوند تا فرد یا گروهی بیش از افراد یا گروه‌های دیگر منفعت کسب کند" (ص ۳۹۲) و به دو نوع (۱) دریافت امتیاز بازار و (۲) رانت‌جویی برای بازتوزیع تقسیم می‌شود. مثال‌هایی نیز برای آن ارائه می‌شود. در مثال اول یک بنگاه انفرادی در پی کسب امتیاز انحصار است. در مثال دوم بنگاه‌های داخلی در صدد هستند با تشویق نمایندگان به وضع تعرفه بر واردات، نسبت به رقبای خارجی از رانت برخوردار شوند. در ادامه، مثال بوکانان را در مورد خدمات تاکسی‌رانی شرح داده و نشان می‌دهد که رانت‌جویی می‌تواند در سطوح مختلفی شامل رانندگان تاکسی، سازمان تاکسی‌رانی، کارگزاران دولتی و حتی مالیات‌دهندگان و دریافت‌کنندگان خدمات حادث شود.

فصول هفدهم و هجدهم به خصوصی‌سازی از منظر انتخاب عمومی اختصاص دارد. فصل هفدهم به واگذاری کامل خدمات دیوانی به بخش خصوصی پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه دیوان‌سالاران در زمان مناسب خصوصی‌سازی ایجاد تأخیر می‌کنند. "گروهی از افراد در به تأخیر انداختن یا تضعیف انحلال، منفعت ویژه‌ای دارند. مهم‌ترین آنها افرادی هستند که احتمالاً شغل یا منافع خود را از دست می‌دهند" (ص ۴۲۰). در ادامه پیشنهاداتی برای جذاب کردن خصوصی‌سازی برای گروه‌های ذی نفع ارائه می‌کند. "پرداخت جبرانی به کارگرانی که شغل خود را در نتیجه انحلال از دست داده‌اند" (ص ۴۳۰) و پرداخت جبرانی برای ذینفعان سابق خدمات دولتی که خصوصی شده‌اند.

فصل هجدهم با این فرض که خصوصی‌سازی کامل ممکن نیست، برای عرضه خدمات عمومی راه‌های ارزان‌تری نسبت به دیوان‌سالاری پیشنهاد می‌کند؛ از جمله پیمان‌سپاری رایج خدمات عمومی به بخش خصوصی و پرداخت یارانه به تقاضاکنندگان در قالب

کالابریگ و سپس از منظر انتخاب عمومی نکاتی را برای ارایه کارآمدتر این روش‌ها بیان می‌کند. در نهایت به انحصارات دولتی و منشاءهای رانت‌جویانه آنها پرداخته و مدعی می‌شود که در اغلب موارد با ادعای انحصار طبیعی بودن خدماتی چون برق و آب و مخابرات، دیوان‌سالاری بر آنها ساری و جاری شده و راه حل خروج از ناکارآمدی دیوان‌سالاری در این حوزه را وارد کردن رقابت و تبدیل انحصارهای دایم به انحصارهای موقت بر می‌شمرد. "پروانه انحصار باید موقت باشد و با گذشت زمان تمام محدودیت‌های پیش روی رقابت را حذف کنیم" (ص ۶۳).

۴. نقدهای کتاب

هر چند در ضمن ارایه فصول کتاب، با آوردن بخش‌هایی از متن کتاب، نقدهایی به محتوی آن وارد شد، با این حال در این بخش این نقدها در یک دسته بندی کلی ارایه شده و متن کتاب از جنبه‌های دیگری نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

۴-۱. ارزیابی ترجمه

همان گونه که گفته شد، کتاب دو بار به زبان فارسی ترجمه شده است. بار اول توسط محسن رنانی و محمد خضری که آن را سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور منتشر کرده است و بار دوم توسط حسین ربیعی و این بار انتشارات دنیای اقتصاد پا به عرضه گذاشته است. دلیل ترجمه دوباره متن روشن نیست و در پیش گفتار کتاب دوم نیز بدان اشاره نشده است. حتی معلوم نیست چرا کلمه "فهم" از عنوان کتاب فارسی حذف شده است.

با مقابله صرفاً چند صفحه از متن انگلیسی با ترجمه فارسی کتاب، روشن شد که ترجمه دارای نقاط ضعف متعددی است که ذیلاً بدانها اشاره می‌شود:

- به کارگیری معادل‌های نادرست: مثلاً با مقابله صفحه ۲۱ متن فارسی با متن اصلی حداقل ۵ اشتباه دیده شد: ترجمه mainstream professional economists به فعال‌ترین اقتصاددانان حرفه‌ای (ترجمه درست: اقتصاددانان حرفه‌ای جریان اصلی)؛ ترجمه studied and taught به مطالعه و بررسی (ترجمه درست: مطالعه و تدریس)؛ ترجمه fellow به شرکا (ترجمه درست: هم‌صنفان یا هم‌نوعان)؛ haven به محل (ترجمه درست: پناهگاه)؛ threat به خطر (ترجمه درست: تهدید).

- عدم به کارگیری معادل‌های جاافتاده: در موارد متعددی از معادل‌های غیرتخصصی و نامأنوس استفاده شده است، از جمله: ترجمه "collective decision" به تصمیم گروهی (ترجمه درست: تصمیم جمعی)؛ license به گواهینامه (ص ۶۱، معادل مجوز بهتر است زیرا برای شکار استفاده شده است)؛ provide به تولید (ص ۴۷، تدارک یا فراهم کردن بهتر است)؛ free enterprise به کاسبی آزاد (ص ۴۷؛ آزادی کسب و کار بهتر است)؛ government vs. the market به دولت و بازار (ص ۴۷؛ دولت در مقابل بازار درست است)؛ socialism به جمع‌گرایی (ص ۶۲، خود سوسیالیسم یا حتی جامعه‌گرایی بهتر است)؛ communal به گروهی (ص ۶۱، اشتراکی بهتر است)؛ بازتوزیع‌کنندگان ثروت (ص ۲۶۶، توزیع‌کنندگان مجدد ثروت بهتر است).

- ترجمه‌های روان در کنار ترجمه‌های نادرست: در عین آن که برخی موارد به خوبی ترجمه شده‌اند که جای تقدیر دارد مثلاً "امتیازات خاص اعطائی از سوی دولت" (ص ۲۳)، اما برخی موارد نیز کاملاً اشتباه ترجمه شده‌اند مثلاً "The want for security in modern times can only be fully supplied by a government." به "در دنیای امروز دولت به تنهایی نمی‌تواند نیاز امنیتی را به طور کامل برآورده کند" ترجمه شده که کاملاً خلاف مراد نویسنده است.

- نیاز به فارسی‌سازی بیشتر متن: برخی اصطلاحات و جملات کاملاً به ویرایش ادبی برای فارسی‌سازی بیشتر نیازمند است، که به مواردی از آن اشاره می‌شود: "این کار آن چنان که در ابتدا می‌اندیشیدم ساده نیست" (نبود، ص ۱۴)؛ اعتقاد گسترده‌ای (ص ۱۵)؛ حقوق مالکیت را مسدود می‌کند (ص ۱۷)؛ انحصار با تبانی (ص ۲۲)؛ نظامی‌گرایی پر قدرت (ص ۳۶)؛ "راه‌های ارزان‌تر از دیوان‌سالاری (ص ۳۷۴، مثلاً "راه‌های ارزان‌تری نسبت به دیوان‌سالاری" بهتر است)؛ "قانون بدون در برداشتن هزینه" (ص ۴۰۴). بخشی از این مشکل به دلیل ترجمه بعضاً تحت اللفظی متن روی داده است، مثلاً: آنها (ص ۱۳، خط ۷) اضافه است؛ یا "نه فقط ...، بلکه ... هم" (ترجمه not only, but also) (ص ۱۴، پاراگراف اول). برخی جملات نیز معنای قابل فهمی ندارند که از ناحیه ترجمه پیش آمده است؛ مثلاً: "در مطالعه همه این کتاب‌ها، اما بیشتر در موارد آخر، مقداری آگاهی از اصول اساسی عنوان شده در کتاب‌ها لازم است" (ص ۱۵)؛ "اقتصاد سیاسی دانان اولیه علاقه‌ای به کوچک‌ترین حد ممکن از دولت قانون‌گذار و ناظم نداشتند" (ص ۲۳)؛ "بر خلاف آموزه‌های فیلسوفان اخلاق، کنش همراه خودخواهانه در اقتصاد بازار موجب همکاری اجتماعی در بزرگترین مقیاس می‌شود" (ص ۲۲)؛ "در

عوض آنها مردم و درآمد بر اساس فایده آنها به این طبقات تقسیم کردند" (ص ۲۴)؛ "برای تمایز بین خود و پشتیبانی که روی اقتصاد بازار مطالعه می‌کردند، ..." (ص ۲۵)؛ "برای کسب حمایت سرپرست فرد باید به او خدمت نماید و وفاداری خود را به او ثابت کند" (ص ۲۴۰).

در مجموع باید گفت ترجمه یک دست نیست و عمدتاً کیفیت پایینی دارد، لذا مقابله ترجمه با متن زبان اصلی از یک طرف و سپس ویرایش فارسی متن ترجمه شده کاملاً ضرورت دارد.

۲-۴. ارزیابی نگارشی کتاب

نگارش کتاب در مجموع خوب است، اما کتاب از عدم غلط‌گیری پیش از چاپ رنج می‌برد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود: "در نتیجه نماینده شاغل نیز در احتمالاً به حزب سیاسی کمک می‌کند" (ص ۲۵۲)؛ "نماینده به عنوان کارکردگذار" (ص ۲۵۴)؛ "همچنین محدوده فعالیت ارتش را تعیین می‌کند تا امکان صدمه زدن نیروهای نظامی را به شهروندان کم شود" (ص ۹۸). "سه ویژگی چنین روش‌هایی را باید عنوان می‌کنیم" (ص ۱۴۷).

ترکیبات اضافی با واژگان متعدد مشکل دیگری است که خواندن متن را بعضاً دشوار می‌کند: مثلاً "آغازگر استقرار تدریجی تعداد زیادی نظام محلی قوانین ساخته اشراف‌زاده (یک ترکیب ۱۰ کلمه‌ای!)، ص ۳۴).

یکی از مشکلات نگارشی کتاب از ناحیه خود متن انگلیسی پیش آمده است. از آنجا که کتاب برای دانشجویانی نوشته شده که انگلیسی زبان مادری آنان نیست، متن دارای جملات کوتاه و ساده است. در ترجمه می‌شد این نقیصه را با ساخت جملات مرکب جبران نمود. مثلاً "بسیاری از افراد باهوش و حساس دنیای امروز، در مورد دولت‌های مردم سالار خود دیدگاه خوش بینانه‌ای دارند. آنها انتظار دارند این نظام ایشان را به سوی موفقیت سوق دهد. آنها برای تولید کالاها و خدمات، دولت را بر بازار ترجیح می‌دهند" (ص ۴۷). همان گونه که مشاهده می‌شود، برای بسیاری از افراد، طی تنها ۴۵ کلمه، ۴ ضمیر متصل و منفصل استفاده شده است. می‌شد این جملات را به صورت زیر درآورد: "بسیاری از افراد باهوش و حساس دنیای امروز، در مورد دولت‌های مردم سالار خود دیدگاه خوش بینانه‌ای داشته و انتظار دارند این نظام ایشان را به موفقیت نائل کند، لذا برای تولید کالاها و خدمات، دولت را بر بازار ترجیح می‌دهند."

- عنوان اصلی کتاب به انگلیسی Understanding Democracy است که به دموکراسی ترجمه شده و این کار موجب می‌شود که مخاطبان کتاب متفاوت شوند. مؤلف بعد آموزشی کتاب به ویژه برای کشورهای فاقد سابقه دیرین دموکراسی (مانند تایوان) را در نظر داشته است. با این وجود دستکاری عنوان، صفحه آرایی، اندازه قلم (که به نظر می‌رسد برای یک کتاب درسی کوچک است) و طرح روی جلد روشن می‌کند که انتشارات دنیای اقتصاد به دنبال عرضه کتاب به علاقه مندان اقتصاد بازار و سیاست مدرن بوده است، و احتمالاً آنها تنها قادر به مطالعه چند فصل اول خواهند بود. این موضوع موجب می‌شود کتاب نتواند خوانندگان واقعی خود را پیدا کند.

- در ابتدای هر فصل اهداف فصل به صورت مقدمه آورده شده است. اما این مقدمه‌ها آنقدر تفصیلی می‌شوند که مانع از آن می‌شوند که خواننده با ذهن روشن‌تری به مطالعه آن فصل بپردازد. مناسب بود در آخر هر فصل، تعدادی سؤال و تمرین برای فصل آورده می‌شد.

- پیشگفتار کتاب حدود دو صفحه بوده و مطلب چندانی ندارد و از غرض مترجم یا ناشر در انتخاب این اثر به ویژه چرایی ترجمه دوباره آن سخنی نگفته است. بخشی از همین حجم اندک هم به کمک تنها نقد کتاب به زبان انگلیسی (Lopez, 2006) نوشته شده و بخشی هم به سپاسگذاری اختصاص دارد.

- به علاوه کتاب فاقد معادل لاتین اصطلاحات تخصصی یا مهم در پانویس است، که البته تلاش شده در واژه نامه این نقیصه جبران شود، اما واژه نامه موجود، انگلیسی به فارسی است و لذا به خواننده برای پیدا کردن معادل انگلیسی واژه مورد نیاز خود کمک چندانی نمی‌کند. برای چاپ‌های بعد، اضافه کردن واژه نامه فارسی به انگلیسی لازم است.

- نمودارها و شکل‌ها به هم ریختگی دارد و در مواردی نمادها با آنچه در متن آمده تطابق ندارد. مثلاً *q در متن به صورت xq آمده است.

۴-۳. نقد دیدگاه نویسنده

از ویژگی‌های مطلوب کتاب پوشش بسیار متنوع مطالب و موضوعات بخش عمومی به همراه مثال‌های بعضاً تاریخی است که موضوع را برای خواننده ملموس‌تر می‌کند و در بین کتب موجود دیده نمی‌شود. همچنین مباحث جدید این حوزه نیز مورد اشاره قرار

گرفته است (مثلاً ص ۸۴). با این وجود، در عین اتقان متن به لحاظ علمی، نقدهای چندی به نویسنده وارد است که در ذیل بدان اشاره می‌شود:

- برخی اوقات به نظر می‌رسد نویسنده به دفاع ایدئولوژیک و افراطی از بازار آزاد می‌پردازد، و آن را بهترین نظامی که تاکنون بشر توانسته است به وجود آورد - با قبول همه نقاط ضعف آنها مثلاً عدم امکان ایجاد نظامی که در آن صاحب منصبان نتوانند از امکانات تحت اختیارشان در مبارزات انتخاباتی استفاده کنند (ص ۱۱۵) - می‌داند و عدم درخواست آن از سوی مردم برخی کشورها را به عدم آگاهی آنها از منافع این نظام - که منجر به تولید ثروت برای کل جامعه خواهد شد - می‌داند (صص ۳۰ و ۳۱) و برای این کار با دست کم گرفتن نقدهای وارد به این نوع نظام بدانها پاسخ‌های سطحی و جانبدارانه می‌دهد. به عنوان مثال در صفحه ۶۷ در پاسخ به نقد آزادی‌های بسیار زیاد علیه نظام مالکیت خصوصی، با آن که اذعان می‌کند علم اقتصاد در مورد خوب بودن و بد بودن کالاها از جنبه اخلاقی حرفی برای گفتن ندارد، اما با بردن پاسخ روی مواد مخدر و آسیب‌های زیاد ممنوعیت آن، تلویحاً از این نوع آزادی‌ها دفاع می‌کند.

- نویسنده در خلال کل مباحث یک پیش فرض اساسی را دنبال کرده است و آن اینکه دولت نه تنها در اصلاح شکست‌های بازار کارآمد نیست بلکه با شکست‌هایی پرهزینه‌تر مواجه است. جالب است که برای توضیح ساده شکست بازار در فصل دوم، از مثال زهکشی مرتع هیوم استفاده می‌شود. در این مثال هر چند زهکشی مرتع می‌تواند منفعتی بیش از هزینه‌ها ایجاد کند اما سواری مجانی مانع از زهکشی مرتع می‌شود و لذا بازار در تدارک آن شکست می‌خورد. پیشنهاد هیوم ورود دولت و اخذ مالیات برای تأمین مالی زهکشی است. استفاده نگارنده از این مثال بسیار زیرکانه بوده و در ادامه فصل به کرات راه‌حل‌های خصوصی کارآمدتر از مداخله دولت را یادآور می‌شود و به درستی انواع شکست‌های دولت در تدارک بهینه زهکشی را برمی‌شمارد. اما باید توجه داشت که پررنگ کردن شکست‌های دولت نباید به کم رنگ شدن یا حتی عدم توجه به شکست‌های بازار بیانجامد چه در این صورت کتاب بیشتر شبیه به یک مانیفست می‌شود تا یک اثر علمی.

- نویسنده به دفعات سعی می‌کند به نقدهای مالکیت خصوصی پاسخ دهد. اما در طرح انتقادات آنقدر نقد را سخیف مطرح می‌کند که چندان هم نیازمند پاسخ نیست. مثلاً در پاسخ به نقد "آزادی‌های بسیار زیاد" به این نتیجه می‌رسد که "آزاد کردن استفاده از

مواد مخدر ممکن است گزینه کم‌ضررتری باشد، حتی برای آنهایی که موادمخدر و مصرف آن را ناخوشایند تلقی می‌کنند" (ص ۶۸).

- نویسنده با تعریف علم در حوزه هست‌ها مدعی است که اخلاق زدایی از سیاست به علمی شده آن انجامیده است. حال آنکه محققان متعددی معترفند که رفتارهای حوزه سیاسی را صرفاً با مدل‌های مبتنی بر نفع شخصی طلبی نمی‌توان توضیح داد. و پیوندهای اخلاق و اقتصاد رو به رواج است.

- نویسنده در فصل چهارم بر خلاف فحولی نظیر بوکانان، با رد وجود منافع ملی و منافع جمعی، پایبندی خود را به فردگرایی روش‌شناختی انتخاب عمومی نشان می‌دهد. "اجتماع نمی‌تواند تصمیم بگیرد و نمی‌تواند منافع داشته باشد. این امر در مورد ملت و جامعه هم صدق می‌کند. فقط افراد می‌توانند منافع داشته باشند" (ص ۱۰۰). حال آنکه فرگرایی روش‌شناختی به تنهایی قادر نیست، واقعیت‌های زندگی اجتماعی و سیاسی را تبیین کند.

- نویسنده برای پوشش دادن طیف بیشتری از مخاطبان، قرار را بر عدم استفاده از نمودارها و معادلات می‌گذارد، اما به نظر می‌رسد در این زمینه مرتکب اشتباه شده باشد، زیرا این کتاب - بجز چند فصل اول - آن صرفاً برای افراد اقتصاد خواننده قابل استفاده است که آنها نیز با نمودار بهتر مطالب را درک می‌کنند و خود نویسنده نیز اذعان می‌کند که این کتاب، یک کتاب درسی است. با این وجود نیز برخی اوقات از این قاعده خود به ناچار عدول می‌کند و از تعدادی نمودار استفاده می‌کند.

- نویسنده در دوگان ساختگی استبداد-دموکراسی، فواید دموکراسی و مضرات آن را گفته و با استبداد مقایسه کرده است. به عنوان مثال در فصل اول با ارجاع به‌هائیک این‌گونه جمع بندی می‌کند که "دموکراسی یکی از آن ارزش‌های منفی سراسر عظمت است که با پیشگیری‌های بهداشتی در مقابل طاعون قابل مقایسه است، به این معنی که وقتی کارآمد است، چیزی از آن نمی‌دانیم، اما فقدان آنها می‌تواند مرگبار باشد" (ص ۴۲). حال آنکه راه حل‌های دیگری در خود مکتب انتخاب عمومی نیز ارائه شده است. به عنوان مثال استروم (برنده جایزه نوبل ۲۰۰۸ در اقتصاد) و سردبیر سابق مجله انتخاب عمومی، نظام‌های چند مرکزیتی را برای تدبیر امور عمومی کارآمدتر یافته است (Ostrom, 2010).

- نویسنده تفکر دیوان‌سالار حامی منافع عمومی را رو به افول می‌داند و بیشتر مرتبط با حکومت‌های استبدادی قلمداد می‌کند. لذا نتیجه می‌گیرد، "از آنجاکه قبل از ظهور

دموکراسی، برای هزاران سال حکومت استبدادی شکل رایج حکومت بود، نباید از عمومی بودن چنین تفکری تعجب کرد" (ص ۳۶۵). هر چند این نگاه با فردگرایی روش شناختی و انکار وجود منافع ملی، سازگاری دارد اما با واقعیت‌های دنیای مدرن نیز تناقضاتی دارد.

۴-۴. نقد علمی کتاب

نظریه انتخاب عمومی از جنبه‌های مختلفی مورد نقد قرار گرفته است که مختص کتاب حاضر نیست. از جمله فرض نفع‌طلبی شخصی سیاست‌مداران و رأی‌دهندگان یا تقلیل فلسفه وجودی دولت به جبران شکست بازار. با این وجود به نظر می‌رسد خوب است در ترجمه‌های بعد به این نقدها در پاورقی‌ها توجه داده شود تا خوانندگان مقهور آنها نشوند؛ از جمله موارد ذیل:

- اگر بپذیریم که انتخاب عمومی می‌تواند به مردم و سیاست‌مداران در یافتن مقاصد واقعی بخشی از سیاستمداران و رأی‌دهندگان کمک کند، این بینش را نیز ایجاد می‌کند که در نظام بین‌الملل، کشورهای ضعیف راهی برای دفاع از منافع خود ندارند، زیرا باید فرض دیگرخواه بودن رهبران کشورها را به ویژه در قبال کشورهای ضعیف کنار گذاشت و ثانیاً کشورهای بزرگ نوعاً علیه منافع کشورهای کوچک به ویژه کشورهای غیر اقماری خود، با هم تبانی می‌کنند.

- از مشکلات اصلی این کتاب و همه کتاب‌های بخش عمومی آن است که با توجه به استبداد دینی در قرون وسطی و نظام کاملاً سکولار فعلی کشورهای غربی نوشته شده‌اند. تجربه حکومت‌های دینی در صدر اسلام را به عنوان تجربه‌ای برای آزمون این نظریه‌ها می‌توان استفاده نمود. به همین ترتیب طبق دو گانه دموکراسی - استبداد، که نوع ایده آل دموکراسی نیز تلویحاً سکولار فرض می‌شود، مردم سالاری دینی نوعی استبداد شمرده می‌شود. همچنین فضای کتاب و عدم اشاره به امکان وجود سایر اشکال حکومتی مطلوب، ذهن خواننده را از تفکر در این باره باز می‌دارد.

- مشکلی که در انتخاب عمومی وجود دارد، نگاه کاملاً اقتصادی به فلسفه وجودی دولت است. این نگاه در صفحه ۹۰ به خوبی بیان شده است: "در این بخش استفاده از کارگزاران را در دو حالت مقایسه می‌کنیم: شخصی که می‌خواهد از بازار خصوصی خانه‌ای بخرد و اجتماعی که در پی خرید دفاع ملی است".

- یکی از انتقاداتی که نظریه انتخاب عمومی با آن مواجه است، تبدیل آراء به پول است. نهایتاً انتخاب عمومی به این نتیجه می‌رسد که: یک دلار = یک رأی. در حالی که دموکراسی قرار بود بر اساس ایده یک نفر = یک رأی بنا شود. علت این مشکل آن است که سیاست نیز به یک بازار تبدیل شده و با معیار کارایی سنجیده می‌شود، یعنی انتخاب عمومی به دنبال حداکثر کارایی در نظام سیاسی است. لذا شکست بازار از لحاظ عدالت بطور مضاعف متوجه بازار سیاست نیز می‌شود چرا که نظام سیاسی در اصل در خدمت اقتصاد قرار می‌گیرد.

- مطالعه کتاب برای افرادی که به دنبال فهم سازوکارهای واقعی یک دموکراسی هستند کاملاً لازم است و کتابی با این حد از جزئیات در زبان فارسی وجود ندارد. البته همواره باید توجه داشت که برای نظریه تقدس قائل نشد (آن چنان که برخی اندیشمندان امروز ایران توسعه را ترجمان امروزی تقوا دانسته‌اند!). بلکه همواره باید یک نظریه را در بستر نهادی آن فهم کنیم. با عوض شدن بستر نهادی نظریات نیز عوض می‌شوند. بر خلاف مثلاً هیأت بطلمیوسی و کپرنیکی که با وجود فاصله دو هزارساله اما برای جهان فیزیکی ساخته شده بودند و لذا قدرت تبیینی آنها قابل مقایسه است، اما نظریات علوم انسانی در صورتی کاملاً مقایسه هستند، که برای یک محیط ارائه شده باشند. همچنان نویسنده در فصول مختلف اشاره می‌کند، نظریه‌های انتخاب عمومی برای اقتصادهای بازار آزاد و مبتنی بر دموکراسی کار می‌کند و لذا برای نظام‌های پیشاسرمایه داری کاملاً قابل کاربرد نیست و به همین ترتیب برای نظام‌هایی که بعد از آن و به عنوان بدیل آن (مثلاً مردم سالاری دینی) ممکن است پا به صحنه بگذارند نیز به طور درست قابل استفاده نخواهد بود. هر چند در برخی جنبه‌ها ممکن است تبیین‌های مشابهی داشته باشند؛ مثلاً در صورت به کارگیری نظام نمایندگی.

۵. نتیجه‌گیری

کتاب ساده، روان و جامع [فهم] دموکراسی (مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی)، برای علاقه‌مندان به حوزه اقتصاد سیاسی، شروع خوبی است. شاید در کمتر کتاب انتخاب عمومی، به صراحت پیش فرض‌های انتخاب عمومی ارایه شده باشند. این مهم با فاصله گرفتن نویسنده از زبان ریاضی و اصطلاحات فنی اقتصاددانان ممکن شده است. هر چند تفهیم توصیفی برخی از مطالب بدون الگوسازی ریاضی، سخت شده است. طرح سوالات بنیادین در این کتاب، فرصت خوبی است تا منتقدان انتخاب عمومی را نقد عالمانه کنند

و روشنفکران ایرانی الگوهای بومی و مبتنی بر آموزه‌های دینی برای حل مشکلات دیوان‌سالاری ایران پیشنهاد دهند.

اما کتاب برای چاپ‌های بعدی خود نیازمند غلط‌گیری، بازبینی ترجمه، الحاق بخش منابع، و ویرایش برخی جملات در جهت روان‌سازی بیشتر است. با توجه به وجود یک ترجمه دیگر از این کتاب، پیشنهاد می‌شود با کسب اجازه از مترجمان ترجمه اول، این دو ترجمه با یکدیگر تطبیق داده شود و متنی یکدست‌تر و دارای اشتباه کمتر به بازار نشر عرضه شود. همچنین اندازه قلم کتاب باید بزرگتر و فاصله بین خطوط بیشتر شود تا کتاب بیشتر در قالب یک کتاب درسی درآید.

نکته آخر آن که باید توجه داشت که هرچند ترجمه این کتاب‌ها گامی ره به جلو است، اما با توجه به وجود تفاوت‌های بنیادی بین دموکراسی و مردم‌سالاری دینی، این مکتب قادر به لحاظ کردن تفاوت‌ها نخواهد بود و از این نظر نیازمند نظریه‌پردازی اصیل در این حوزه هستیم.

پی‌نوشت

1 An Economic Approach to Social Interaction and Institutions

۲ در این مقاله در مواردی که به متن ترجمه کتاب ارجاع شده، فقط شماره صفحه آمده اما در مورد سایر منابع اصول ارجاع دهی رعایت شده است.

۳ البته این گفته ایشان را باید در بستر و محیط شکل‌گیری و انتشار کتاب یعنی جنوب شرق آسیا درک نمود، نه به عنوان یک قانون کلی، چرا که کشورهایی چون فرانسه نیز مدعی داشتن سابقه تاریخی در دموکراسی هستند.

۴ این نحوه استدلال بسیار شبیه مکانیزم انتخاب و خرید کالا (مثلاً گلابی) در بازار است!

کتاب‌نامه

- باتلر، ایمون (۱۳۹۱)، *مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی*، ترجمه بردیا گرشاسبی، تهران: سارگل.
- تمدن محمد حسین (۱۳۸۹). *گفتارهایی در زمینه اقتصاد، علوم اجتماعی و شناخت روش علم*. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- جمسی، یوسف؛ قاسمی، محمد و علی یوسفیان (۱۳۸۴)، *مباحثی در باب نظریه انتخاب عمومی* (دیدگاه نهادی به سیاستگذاری عمومی)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- سرزعی، علی (۱۳۸۹)، *تحلیل اقتصادی سیاست (درآمدی بر انتخاب عمومی)*، تهران: آثار اندیشه.

نقد کتاب دموکراسی: مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی ۹۱

کالیز، جان و فیلیپ جونز (۱۳۸۸)، *مالیه عمومی و انتخاب عمومی*، ترجمه الیاس نادران، آرش اسلامی، علی چشمی، تهران: انتشارات سمت.

گانینگ، جان پاتریک (۱۳۹۳)، *دموکراسی: مقدمه‌ای بر انتخاب عمومی*، ترجمه حسین ربیعی، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.

گانینگ، جیمز پاتریک (۱۳۸۴)، *درک دموکراسی: رویکردی بر انتخاب عمومی (تحلیل اقتصادی نهادهای سیاسی)*، ترجمه محسن رنالی و محمد خضری، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
مولر، دنیس (۱۳۹۵)، *انتخاب عمومی؛ تحلیل اقتصادی قواعد بازی اجتماعی از دیکتاتوری تا دموکراسی*، گروه مترجمین زیر نظر محسن رنالی، تهران: نشر نور علم.

Gunning, J. Patrick, (2003), *Understanding Democracy: An Introduction to Public Choice*. Taiwan: Nomad Press.

Lopez, Edward J. (2006), "Book Review, Understanding Democracy: An Introduction to Public Choice", *Public Choice*, 130:249–250.

Ostrom, Elinor, (2010.) "Beyond Markets and States: Polycentric Governance of Complex Economic Systems." *American Economic Review* 100 (3): 641–72.